

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز سخن با
دعایی از پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)



(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)



(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم، یا به جهل کشیده شوم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

جلسه پنجم
سیری در دعوت
انبیاء الهی

آنچه گذشت

(اغْبُدُوا اللَّهَ)،

پیام مشترک در دعوت

تمامی انبیاء الهی

قرآن کریم در یک بیان جامع از محتوای دعوت رسولان،
در اولین جمله، بعثت تمامی انبیاء را
(اعْبُدُوا اللَّهَ)، بیان می‌کند:



(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ
الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِينَ)

(سوره ی نحل: آیه ۳۶)

در شرح کلمه‌ی (الله) گفتیم

(الله تعالیٰ)

(صاحب صفات نیست)

(هویت تمامی این صفات است).



بین (صاحب یک صفت بودن)

و (هویت یک صفت بودن)

(تفاوت عظیمی) وجود دارد؛

او مالک مُلک است؛

یعنی پادشاهی دهنده؛

یا به بیانی دیگر

مصدر و کیفیت پادشاهی و عزت

و هر دارایی و هر وصف دیگری است.

در شرح پیام
(اغْبُدُوا) گفتیم

و امام صادق علیه السلام به عنوان بصری که به دنبال (علم حقیقی)، است، می‌فرمایند:

.....

علم (آن علم حقیقی که تو می‌خواهی)،
از طریق یادگیری (مرسوم و متداول) نیست؛
(علم حقیقی، نوری است) که:
در قلب کسی قرار می‌گیرد که:
(الله تعالی، بخواهد او را هدایت کند).

ادامه‌ی سخن

(علم نورانی)

و راه دسترسی به آن

(فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ)
(فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ)

.....

اگر به دنبال علم (حقیقی)، هستی،

در قدم اول:

در (جان خودت) به دنبال (حقیقت عبودیت) باش.

(وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)

در (قدم دوم):

(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.

.....
(وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يَفْهَمُكَ)

در (قدم سوم):

از (الله تعالی) طلب فهم کن، به تو می فهماند.

شرح مراحل سه گانه

مرحله‌ی اول:

در (جان خودت) به دنبال

(حقیقت عبودیت) باش.

(فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ)
(فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ)

.....

اگر به دنبال علم (حقیقی)، هستی،

در قدم اول:

در (جان خودت) به دنبال (حقیقت عبودیت) باش.

سوال:

چگونه باید در (جان)
به دنبال (حقیقت عبودیت) بود؟

.....

پاسخ این سوال در (مراقبت)
از لفظ جلالتی (الله)، است.

واژه‌ی (اتَّقُوا اللَّهَ)، (مراقبت از الله)
بیش از ۵۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است.

.....

(الله تعالی)
(منشأ هستی)
(هویت تمامی صفات است).

هر (هستی داری)

(هستی خود و تمامی صفات و افعال خویش)

را از (الله تعالی) دارد.

.....

(الله تعالی)

(حقیقت جان ما و منشأ هویت ما).

اگر (هستی داری)

(هستی خود و تمامی صفات و افعال خویش)

را از (الله تعالی) دارد.



مشاهده‌ی این (حقیقت و منشأ هویت)؛

در درون جان امکان پذیر است.

جان عالم خوانمش گر ربط جان دانی به تن
در دل هر ذره هم پنهان و هم پیداستی

نیست حدی و نشانی کردگار پاک را
نی برون از ما و نی با ما و نی بی ماستی

مرحله‌ی دوم:

(علم) را با

(به کار بستن آن) طلب کن!

(وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)

در (قدم دوم):

(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.



(این چه علمی است که):

با (به کار بستن آن) به دست می‌آید؟

نحوه‌ی (به کار بستن) این علم که:

(الله تعالی)

(حقیقت جان ما)

و (منشأ هویت ما است)

اگر (الله تعالی منشأ هستی)
و (هویت تمامی صفات) است؛

.....

اگر (الله تعالی)
(حقیقت جان ما و منشأ هویت ما) است؛

.....

(مراقبت از الله تعالی)
(مراقبت از این حقیقت و منشأ) است.

(مراقبت از الله تعالی) یعنی:



انسان دائماً در تمامی لحظات زندگی،
در تمامی حرکات و سکنات،
به (منشأ بودن او) توجه داشته باشد.

(مراقبت از الله تعالى) یعنی:



اگر در جایی لازم شد جان و مال را بدهم؛

بدهم و نترسم از این که:

مال می‌رود یا جانم را می‌گیرند؛

چرا که (الله) است که جان و مال را می‌خرد و صد

جان و مال می‌دهد.

نیم جان بستاند و صد جان دهد

(مراقبت از الله تعالى) یعنی:



تمام تلاشم را برای کسب روزی می‌کنم؛
ولی برای حفظ شغل،

از مسیر (مراقبت از منشأ بودن او) خارج نمی‌شوم؛
به احدی دل نبسته، و به احدی طمع نمی‌کنم؛
چرا که (منشأ روزی) : (الله) است.

(مراقبت از الله تعالی) یعنی:



در هیچ حرکتی، در هیچ توقفی
در هیچ سخنی، در هیچ سکوتی،
و خلاصه در هیچ عملی از اعمال زندگی،
از مسیر (مراقبت از منشأ بودن او) خارج نمی شوم؛



این است شرح (وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)
(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.

بیان یک مؤید از

از (رسول خدا) صلی الله علیه و آله

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:
(مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

کسی که به علم خود عمل کند،
خداوند او را (وارث آنچه نمی داند) قرار می دهد؛

این است شرح (وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)
(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.

توضیحی از مرحوم علامه

طباطبایی درباره‌ی

کلام (رسول خدا) صلی الله علیه و آله

مرحوم علامه‌ی طباطبائی درباره‌ی کلام

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:



(إِنَّ رُوحَ الْإِيمَانِ إِذَا تَمَكَّنَتْ مِنْ نَفْسِ الْإِنْسَانِ وَ اسْتَقَرَّتْ فِيهَا
حَوَّلَتْ الْأَرْاءَ وَ الْأَعْمَالَ إِلَى صُورٍ تَنَاسِبُهَا وَ لَا تَخَالِفُهَا)



(روح ایمان) زمانی که در جان انسان استقرار می‌یابد؛

(اندیشه‌ها و اعمال انسان) را به:

(صورت‌هایی مناسب و غیر مخالف با خود) تبدیل می‌کند.

(و كذلك سائر الملكات أعم من الفضائل و الرذائل اذا
استقرت في باطن الانسان لم تلبث دون ان تحوّل آراءه و
اعماله الى أشكال تحاكيها.)



(سایر صفات ثابت از رذایل و فضایل) هم،

زمانی که در جان انسان استقرار می‌یابد؛

(اندیشه‌ها و اعمال انسان) را به:

(صورت‌هایی مناسب با خود که از آنها حکایت می‌کند)

تبدیل می‌کنند.

انسان، دائماً در حالِ (سیرِ باطنیِ تحولی)،

یا به تعبیر قرآنی:

(صیروت یعنی دگرگونی)، است؛

.....

(إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)، (سوره ی آل عمران آیه ۲۸):

(مَصِير)

(مصدر میمی از فعل صار به معنای دگرگونی است)؛

قرآن کریم از سیر انسان به

(مَصِير یعنی دگرگونی)، تعبیر می‌کند؛

با هر (عملی)،
(انسان دیگری)، خلق می شود؛
و (انسان دیگر)،
دارای (دریافت دیگری) است.

.....

(مِنْ آنِ بعدی)، (مِنْ دیگری) است،
و (مِنْ دیگر)، دارای (دریافت دیگری) است.

این است شرح کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام صادق
علیه السلام که می‌فرمایند:

.....
(مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

کسی که به علم خود عمل کند،
خداوند او را (وارث آنچه نمی‌داند) قرار می‌دهد؛

.....
(وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ)

(علم) را با (به کار بستن آن) طلب کن.

مرحله‌ی سوم:

از (الله تعالی) طلب فهم

کن، به تو می‌فهماند.

(وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ عَنْهُمْ)

.....

در (قدم سوم):
از (اللَّهُ تَعَالَى) طلب فهم کن،
به تو می فهماند.

(الله تعالی منشأ هستی)

و (هویت تمامی صفات) است؛



از (الله تعالی)

طلب فهم کن، به تو می فهماند.



(مراقبت از الله تعالی)

مراقبت از (حقیقت و منشأ فهم) است.

شرح معنای عبودیت

پس از طی سه مرحله ی قبل یعنی:



جستجوی (حقیقت عبودیت) (جان خویشتن)،

طلب (علم) را با (به کار بستن آن)،

از (الله تعالی) طلب فهم کردن،



امام علیه السلام

به (تشریح حقیقت عبودیت) می پردازند:

امام صادق علیه السلام

در تفسیر (حقیقت عبودیت)

سه صفت را بیان می‌فرمایند:



(قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(حقیقت عبودیت) سه چیز است:

مرحله‌ی اول عبودیت

(أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِلْكَاً)



(خصوصیت اول عبودیت این است که):
(عبد) در آنچه (الله تعالی) به او داده است،
خود را (مالک) نبیند.

(لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ لَا يَكُوْنُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ اَلْمَالَ مَالًا
اَللّٰهُ يَضَعُوْنَهٗ حَيْثُ اَمَرَهُمُ اللّٰهُ بِهِ)



زیرا (عَبِيد/بندگان) مالک نیستند،
آنها مال را متعلق به (اللّٰهُ تَعَالٰی) می دانند،
در نتیجه آن را در هر جا که او به ایشان امر
کند قرار می دهند.

چرا لازم است (عبد)،
در آنچه (الله تعالی) به او داده است،
خود را (مالک) نبیند.

.....

زیرا (الله تعالی)
(صاحب دارایی نیست)
(هویت تمامی داراییها است).

(او ملک نیست اَلْمَلِك است)؛

یعنی او پادشاه نیست؛

حقیقت مُلک و پادشاهی از آن اوست؛

قرآن کریم می‌فرماید:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ
الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آل عمران (۳): ۲۶

او مالک مُلک است؛

یعنی پادشاهی دهنده؛

یا به بیانی دیگر

مصدر و کیفیت پادشاهی و عزت

و دارایی و هر وصف دیگری است.

مرحله‌ی دوم عبودیت

(وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْوِيرًا)

.....

(خصوصیت دوم عبودیت این است که):
(عبد) برای خویشتن (تذویر) نمی کند.

(عبد) برای خویشتن (تدبیر) نمی کند.
زیرا (الله تعالی) (مالک مطلق) اوست.



(مالکیت مطلق الله تعالی)
شامل (مالکیت در تدبیر) هم می شود.

باید توجه داشت این که:
(عبد) برای خویشتن (تدبیر) نمی کند.
به این معنا نیست که:



(او برای زندگی خویش برنامه‌ای ندارد)

چطور می‌شود، کسی که:

برای خویشتن (تدبیر) نمی‌کند.

(برای زندگی خویش برنامه داشته باشد)



(عبد) برای خویشتن (تدبیر) نمی‌کند.

(ولی برای زندگی خویش برنامه‌ای دارد)

(عبد) برای خویشتن (تدبیر) نمی‌کند.

(ولی برای زندگی خویش برنامه‌ای دارد)



برنامه‌ی او را مالک حقیقی‌ش نوشته است؛

(برنامه‌ی عبد)

عمل کردن به برنامه‌ای است که:

(مالک حقیقی‌ش برای او نوشته است)

و این همان مرحله‌ی سوم عبودیت است:

مرحله‌ی سوم عبودیت

(وَجُمْلَةُ اشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ)

.....

(خصوصیت سوم عبودیت این است که):

تمام مشغولیت (عبد) پرداختن به:

(امر و نهی) (الله تعالی) است.

(عبد) بدون برنامه نیست؛

تمام مشغولیت (عبد) پرداختن به:

(امر و نهی) (الله تعالی) است.



و پرداختن به (امر و نهی) (الله تعالی)

برنامه‌ای است که:

مالک حقیقیش برای نوشته است.

در دایره‌ی قسمت ما نقطه‌ی تسلیمیم
لطف آن چه تو اندیشی حکم آن چه تو فرمایی
فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی
زین دایره‌ی مینا خونین جگرم می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

پایان جلسه ی پنجم

سیری در دعوت

انبیاء الهی

نور وجود از طلوع روی حسین است
شاهد گیتی به خویش جلوه ندارد
مشى قَدَم را وصول ذاتِ قَدَم نیست
ذات خدا لا یُرى است روز قیامت
جان ندهم جز به آرزوی جمالش
عاشق او را چه اعتناست به جَنّت
عالم و آدم که مَسّت جام وجودند
حضرت حق را به عشق خلق چه نسبت
عاشق او را چه غم ز مرگ طبیعت
در غم او آبروی ما به حقیقت
عقل فؤاد از خود این فروغ ندارد

عالم امکان سواد موی حسین است
جلوه عالم فروغ روی حسین است
جنبش سالک به جستجوی حسین است
ذکر لقابر رُخ نکوی حسین است
جان مرا دل به آرزوی حسین است
جَنّت عشاق خاک کوی حسین است
مستی این هر دو از سبوی حسین است
مسئله عشق گفتگوی حسین است
زندگی عارفان به بوی حسین است
موجب غفران به آبروی حسین است
جلوه این قطره هم ز جوی حسین است

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ
وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

